صلح و زنده گی

نویسنده: مولوی محمد (ازهر، ساغری)



ریاست نشرات و تعلیمات اسلامی.
وزارت شئون اسلامی و اوقاف ج.د.ا

دلو- ۱۳۶۵

صلح و زنده گی

نویسنده : مولوی محمد «ازهر «ساغری»

ریاست نشرات و تعلیمات اسلامی
وزارت شؤون اسلامی و اوقاف ج.د.ا

دلو ۱۳۶۵





بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

صلح در اصطلاح مردم و افراد بشریت در ضد فساد بکار رفته ودر موضع استعمال میگردد که‌در آنجا از فساد ، وبی بندباری، لجاجت و کشیدگی خبر واثر ی نباشد ودر نزد اهل لغت بمعنی نیکو کردن ترجمه شده و اصلاح وصلاح را هم از همین کلمه استخراج نمودند ودر جایی گفته‌میتوانیم که مظاهر رفاه ،آرامی، امنیت ، وزنده‌گی باهمی ، وزیست مسالمت آمیز وجود داشته باشد ، صلح یك امر عمده ومهم‌در زنده‌گی انسانهاو جوامع بشری ودر جهان آموزش و پرورش می‌باشد وبرای تامین منافع عمومی امر ضروری ومبرم شنا خته شده‌آنگاه که در قریه و شهر در وطن وجهان وحتی در فامیل و قبیله‌صلح وجود نداشته باشد زنده گی در آن فامیل یا سر زمین شکل‌دگری رابخود گرفته ویا إصلا زنده‌گی از بین رفته ونفع بشردر آنجا متصور نخواهد بود صلح سرور و خوشوقتی را برای‌انسان به بار می آورد رنج ها و خسته گی های که به اثر بی‌امنی‌بوجود آمده زد وده گردیده و انسان در پرتو آن میتواند به‌موفقیت ، امور روز مره را پیش برده وآبرو مندانه بزیست‌مسالمت آمیز در محیط و جامعه ادامه دهد ودر تهداب گذا ر ی‌جامعه مرفه در جهت نو آو ر ی

وباز سازی بخاطر اعمار آن اعم از اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ، وکلتوری سهم رسالت مندانه خویش را ایفا نماید گفته میتوا نیم زمین مسکون خانه مشترك تما م مخلوقات خداوند می باشـــد .
آفتاب مشترك وستار گان مشترك به انسانان روشنی مشتـــر اك ومساوی پخش میکند آب وسایر نعمات طبیعی جهان مشترك بود ه وباید مساویانه توزیع گردد پس ضرور تا به تأمین صلح مشتر اك ضرورت احساس میشود ز نـان برای تربیه اطفال خود جهـــت تقدیم آن در جامعه که به نفـع مردم باشد به صلح نیاز دارنـــد واطفال جهت فرا گرفتن د ر س و تعلیم درست و آموزش معقو ل به صلح و آرامی احتیاج مندبوده است وهمین صلح است کـــه آسایش مادی و معنوی بشر یـت را در تمام عرصه ها تامین میکند وانسان منحیث خلیفه خداوند در روی زمین به ادای مسئولیت ها وتعهدات خود زیست نموده د رزمینه و جائب و وظایف ملـی و مذهبی خود را ادا ساخته و د ربرابر پیشبرد ادای اما نـــا ت ومسئولیت ها موفق می بر آیددین مقدس اسلام که متمم ادیان ومکمل ترین آنها در جامعه بشری بشمار آمده واز برجسته تر یـن ادیان جهان می باشد ذریعه پیام خود که عبارت از قرآن کر یـــم است چندین جای از صلح یادآوری نموده و گاهی آنرا به تفسیـــر از عدل و گاهی بـــه بر آورد ن حقوق ودر برخی از آیات بـــا تصریح ذکر نام صلح رهنمـــودهای را صادر فرموده است صلح را خداوند متعال در ضمن تعبیر به عدل یا د آوری کرده که عد ل مرتبه است متوسط در بین دوچیز که از مراعات آن دو چیز امـــر میانه یعنی توازن ، برابـر ی ، حاصل میشود ، واز افراط وتفریط که دو جانب عالـــــی و سافل راطبعیتأ مزید جلوه میدهد و امور را از حیطه اعتدال و قبول عقـــل سلیم دور می سازد ، انسان نجات می یابد چنانچه خداوند میفرماید« ان الله یأمر بالعدل والا حسان وایتأذی القربی وینهی عـــــن الفحشأ والمنکر والبغی یعظکـــم لعلکم تذکرون » . سوره نحل آیه(۹۰) ترجمه: خداوند (ج) به عدل واحسان ودادن حق به ذوی القربی امر نموده است ومنع میکنـد از

فحشا وبدی و سر کشی و پندمیدهد شما را شاید شما پند
بگیرید ، ودر آیه دگری که خداوند متعال فرمود ند :«ولایجر
منکم شنان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی »
سوره مائده آیه (۸) ترجمه : باعث نسازدشما
را دشمنی قوم برآنکه عدل نکنید، عدالت کنید که نزدیك تر است
به تقوای ، وبه همین دو آیه عمده ترین مفسرین از کلمه عدل
به صلح و نیکویی تعبیر نموده اندوبر پایه عدل صلح را استوار
میدانند زیرا زندگی آبرو مند ومسالمت آمیز در میان افرادجوامع
بشری همان اعتدال است که به صلح برابر است واگر اعتدال
از بین میرود عدالت جای خود را به خلاف و شقاق ودگر گونی واگذار
میشود که آنرا خلاف صلح تعبیر می نمایند .

درین مبحث کوچك در آغاز صلح و آرامی را در کانون خانواده
که اساسی ترین خلیه و حجرات جسم اجتماع را تشکیل میدهد
جستجو می نمائیم بعدا درده، قریه وبه همین منوال ضرورت صلح
را به سطح شهر ، ولایات کشو رومنطقه وبالاخره در جهان تحقق
می نمائیم ،ضرورت بوجود آمدن صلح دردین مبین اسلام به حیث یك
اصل عمده عدالت اجتماعی قبو لشده درین مورد یعنی برای بوجود
آمدن صلح ، عدالت ، قطع خو -نریزی آیات واحادیث زیاد ی
به حیث رهنمای مسلمانان قراردارد«فاعتبروایااولی الابصار »

صلح در خانواده

صلح در فامیل که آنرا از یکطرف محبت خانواده ویا نظم و نسق خانواده می گویند واز جمله مسائل مهم ومبرم فامیل بشمار می‌آید مراعات صلح در بین زن و شوهر مادر وپدر ، و اولاد واحفاد امر ضـــر و ر ی خـا نــوا د ه است از سر نـــو شت ز ن وشوهر که سخن در میان آمــد باید یاد آور شویم که قرآن شریف هم درین باره اهمیت بسزای راقائل شده وازجمله رهنمایی هـا ی عمده و حیاتی برای پیروان احکام آن درین رابطه آیاتی ارشاد شده است ودر باره آنانیکه ناظـــر اختلاف و تشنج در بین زن و شوهر اند خداوند چنین فر موده:«وان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکمامن اهلهــا ان یریدا اصلاحا یو فق اللــــه بینهماان الله کان علیماخبیــرا» سوره نسأ آیه (۳۵) یعنی اگرشمامی ترسید که در میان زن و شوهـــر چنان مخالفت و کشیدگی پیـــدا میشود که خود ازاصلاح آن نـــا توان اندآنگاه منصفی از نزدیکان مرد ود گری از خویشا ونـــدا ن زن مقرر فرمائید تابرای فیصلـــه کشیدگی اصلاح را در میـــا ن گذارند وقتی که اراده اصـــلاح کردند خداوند موافقت را درمیان ایشان می آورد هر آینه ،خداوند علیم وآگاه است و برای فیصلـــه نزد جانبین زن و شوهر حکـــم را از نزد یکان شان خداوند امـــر فرمود برای اینکه قریب وخویشا وند است که از اصلاح جا نبیـــن کار میگیرد ودر رفع تشنـــج د

مخالفت کوشش وسعی زیاد را به‌خرج میدهد و تا سرحد اخیر براین امر اعتماد دارد که اصلاح‌فی ما بین زن و شوهر راهی است به خیر دو جانبه وبلکه اصلاح‌فامیلی هست که باعث صلاح و اصلاح قوم وقبیله وبالاخره‌جامعه‌میگردد زیرا همزمان با اصلاح فامیلی نیکویی وصلاح اولادآنان‌که باهم دریك خانه زنده گی دارند ضرورت مبرم و حتمی به‌حساب می آید اولاد که افراد و اشخاص اعمار کننده جامعه فرداانـد و جامعه ومردم چشم امید به کودکان ونو جوانان دارند تا ازآنان صفایی وصیقل در جامعه پیدا شود و بروی هدف مند ی بزرگ به خدمت مردم و جامعه قدم می گذارند از همه ضرورتراست تا نبوغ وا ستعداد آنان در فضای فامیلی انکشاف یابدکه باید در آن فامیل فضأ صلح‌آشتی، محبت ، و عشق وعلاقه زیاد ایجادشود از تشنج تیرگی خبری‌واثری نباشد تا بتواند کودکان به فکرآرام قلب مطمئن در باره فردا ی جامعه یك سلسله اعمال را انجام‌دهند وبه آموزش درست و درك عمیق دست یازند وهمین کودکان‌اند که در آینده جوان شده ودر خدمت به جامعه گمارده می شوندواساس تربیت آنان از همین فضای فامیل شروع میشود وبایداین فضأ را با چراغ صلح وآشتی روشن ساخت وبا خوشبویی محبت‌ودوستی معطر نمود واز ابروغبار تشتت ومخالفت خلاص نمود ه‌و دود تیره و خفقان آور جنگ و جدال که باعث کشیده‌گی درفامیل‌میگردد از میان بر داشت تا باشد که این محیط خانواده با صلح ،صفا وآشتی زنده‌گی کنند و اولاد خوب در جامعه تقدیم کننـدودر این باره خداوند فر مودندکه اگر در بین زن وشو هر مخالفت پیدا شد به صلح و آشتی باید اقدام نمود وهر دوی شا ن‌وظیفه دارند تاصلح را در میا ن آورند .

(وان امرأ ة خافت من بعلها نشوزاً او اعراضافلا جناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحا والصلح‌خیر) سوره نسأ آیه ۱۲۸

اگر زن معلوم کند از شوهرش‌سر کشی یار وگردانی را هیچ ،گناهی نیست برای ایشان درآنکه‌صلح آرند درمیان خویش نوعی

از صلح و عمل صلح بهتر است خداوند درین باره که‌عبارت‌از موضوع زنده‌گی‌در فامیل وخانواده باشد خیلی ارج واهمیت‌را قایل است وتاکید به عمل آورده تا فضای زنده گی با هرنوع وتاهر اندازه که‌قدرت‌وتوانایی وا مکانات در دست باشد به‌صلح و دوستی وصمیمیت‌همراه باشد واگر احیاناً مخالفت وکشیده‌گی رونما می گردد زنوشوهر را مکلف می سازد تادرین باره مسئولیت خود را در مقابل‌یکدیگر درك نمایند وبا حرف های کوچك و خورد رشته‌محبت‌والفت را ازهم نگسسته و دو باره اصلاح ونیکویی را در میان‌آورند تا باشد که از جمله نیکوکاران بشمار آیند و زنده‌گی‌خوش ومملو از صمیمیت وحیثیت داشته باشند.

وبازهم چنانچه قبلاء یاد آورشدیم اگر زن وشوهر نتوانیستند صلح را در جهت زنده‌گی پرمحبت زنا شوهری درمیان آورند منصفی از نزدیکان مرد وزن به‌نزد شان فرستاده شوند تا موضوع را فیصله کنند زیرانزدیکان براحوال آنان بصیر اند واز آنان امید خیر خواهی‌متصور است وبا طور انصاف گناه هریك را سنجیده و قضاوت‌میکند واین دو منصف اگر به نیت اصلاح باشند خداوندازحسن‌نیت وسعی آنها میان زن وشوهر موافقت را پدید می آورد. بیشك‌خداوند (ج) برهمه‌چیز دانا است اسباب رفع نزاع و حصول‌اتفاق‌به حضرت او (ج) معلوم است ازین جهت در رفع نزاع زوجین‌هیچ مشکلی نمی ماند وصلح در میان آنان پیدا میشود ودر اخیراین آیت که در باره صلح بین‌زن وشوهر آمده مسئله پدر و مادر وخویشا وندان هم فراموش نشده وخداوند یاد آوری نموده و می‌فرمایند:

(وبالو الدین احسانا وبذی‌القربی‌والیتا می والمسا کین والجار ذی القربی والجار الجنب‌والصاحب بالجنب)

برای پدر ومادر نیکو کاری‌کنید وبه خویشا وندان و به یتیمان وبه نیاز مندان و به‌همسایه قریب وبه‌همسایه بیگانه وبه هم نشینی نزدیك مطلب آنست که حسن معامله بعداز

حق که خداوند علیه شخص دا ر دوهم بر علاوه حقـــوق زنان و وارثان وزن وشوهر راکه بیا ن وبه آنان توضیح نمود ارشا د می فرماید که حق پدر ومادر خـو ـیشا وندان ونیاز مندان وهمسایه قریب و همسایه دور و همنشین نزدیك (ومراد از همسایه قریب وبعید نسبی است نه مکانـــی) برشخص حق دارد وموجب احسان می باشد برای تامین حسن معـاشرت وزنده‌گی مسالمت آمیــز دربین خانواده و خویشا وندا ن معاونت و همکاری ، خدمــت گذاری و وفاداری امر ضـروری وحتمی می باشد سعدی علیـــه الرحمه آن عارف نیك سیـر ومتصوف جامعه اسلامی و پیــر معرفت چنین میگوید : « پسر یرا پدر وصیت کرد ، کای جوانمر د یادگیر این پند ، هر که با اهـل خود و فا نکند ، نشود دوست روی دانشمند » راستی هم فر مـو ده بزرگان حقیقت را در بردارد تـا زمانیکه انسان با اولاد .فامیـل خویش واقارب خود دوست نباشد وبه آنان در فضای مسالمت آمیز وصلح زنده‌گی نکند نمی توانـد مثمر واقع شود ویابه دگر هـــم نوعان وسایر مسلمین و جامعـه بشری خدمت را انجام دهد روی همین ملحوظ است که اسلام عقد ازدواج زنا شویی را برضـــا ی زن و مرد مربوط ساخته زیرا اگر رضایت جانبین نباشد رشته الفت ومحبت ازهم گسسته وبعوض آن تشنج ، عداوت و تفرقه جاگز ین آن میشود وصلح بـــه نزاع و مخالفت تبدیل میگردد .

دولت انقلابی افغانستان ضمن فرمان شماره هفتم شورای انقلابی که رضایت جانبین یعنی مرد وزن را در انتخاب ازدواج شرط اساسی عقد ازدواج گرفته پیروی ازهمان اساسات دین مقدس اسلام است وهدف از آن سعادت و بهـروزی زن ومرد در زنده‌گی خانواده و زیستن در فضای صلح ، دوستی ، الفت ، ومحبت است وهمین صلح ودوستی هست که نسل ویـــاواضح تر بگوئیم اولاد ایـــن زن ومرد که با عشق وعلا قـــه زنده‌گی دارند افراد وا شخـاص مطمئن وبا تربیه در جامعه تقدیم میشوند وجامعه همانطور کـه از آنان انتظار دارد به‌درد جامعه آشنا میشوند و به فکر اهل جامعه

خود را قربان میسازند و خدمت‌را برای هم نوعان خویش انجام میدهد باری این افراد اند که پایه های اساسی یکجامعه نوین‌را تحکیم ویا اینکه جامعه معقول‌و درست را در زنده‌گی بشری می سازند ومن حیث‌نمونه مثال‌در طول حیات بین افراد واشخاص بود باش می نمایند . واز این‌افراد واشخاص اولادی به وجود می آید که زاده عشق و محبت‌اند واز دوفرد نیکو و دارای سجایا واخلاق درست ودر خانواده‌صلح ومحبت عرض وجود کرده اند در افغانستان انقلابی بتاسی‌از آیه که ما قبلا ذکر کردیم که «اگر زن از شوهر خود ترس‌نشوزورو گردانی را احساس‌نمود حکم از اهل زن واهل مرد تعیین‌شوند تا اصلاح در میان آورند» عنعنه وجود دارد که هرگاه در بین زن وشوهر اختلاف ایجاد گردد پدر زن و پدر مرددو نفر از اقوام نزدیک یکدیگر تعیین میکنند و آنان‌بنام کلان فامیل حکمیت را با قضاوت عادلانه در بین شان‌اجرا می نمایند واز طریق الزام برهر دو جانب اصلاح را درمیان‌آورده نمی گذارند تا اختلاف آنان باعث تشنج ویا خدای ناخواسته تفریق در میان آید واین حکمیت در بین افغانان از قضاوحکم قاضی اعتبار بیشتر دارد و این دستور اسلام من حیث عنعنه پسندیده دربین مردم افغانستان بروز نموده و غیر قابل تغییر است .

صلح در قریه

قریه جای است که در آن فـــامیل های متعدد زنده‌گی میکنندو با خوی و عادت واحد وبا سیستم ومیتود واحد در زنده گی سهیم اند وهمین قریه صفت گهـواره شخص بود وباش کننده را دا را می باشد واز طفولیت عضو همین فامیل قریه شده است ، ویـا در صورتیکه ما واضح تر سازیـــم تخمه ونضج انسان از نیـــروی غذایی همین جایی که زاده شده بوجود آمده ، تکامل نموده و به صورت یکفرد در قالب انســا ندر آمده است و در قریه بـز رگ شده وا زهمین قریـــه آموخته ومسئولیت را در همین قریه بـــه دوش گرفته وبه آن زنده‌گـــی میکنند ضرورتأ برای تمام اشخاص وافراد قریه حق مساویانه دا ده شده تا زیست کنند واز نعمـــات مادی ومعنوی همین مسقط‌الرأس استفاده معقول و مثمر نمایند وبا کمال امانت داری قریه را بادیگراولاد هایکجا آباد سازندوبه نسل های آینده بسپارند وبرای آبادی و تهیه وسایل آسایش درین قریه از همه ضرور تر ومهم تر موجودیت فکر آرام و قلب آرام میبا شد واین آرامی بدون زنده‌گی د ر صلح و فضای دوستی و محبـت علاج پذیر نیست . صلح است که مردم رادر امور زنده‌گی روز مره شان کمك میکند و اشخا ص میتواند با کار و پیکار عاد لانه وزحمتکشی عاقلانه روز و شـب خود را برای تهیه مواد ، خورا ك ولباس سپری نماید و بتواند از نعمات مادی و معنوی بر خوردار

.گردد لهذا ما میتوانیم بگوئیم که‌در قریه ودهکده از همه ضرورتر صلح است . از آیات قــرآن شریف که‌منحیث قانون مسلمانان جهان ورهنمود دهنده پیرو ان‌دین مقدس اســلام می باشد و احادیث پیامبر اسلام که بعــدازقرآن کریم معتمد به مسلمانــان

است تکرا را راجع به صلــح وامنیت در قریه تذکر رفته اســت .گاهی مستقیماً باذکر صریح‌کلمه‌صلح امر صلح را ضروری پنداشته وبه جای دگری از صلح بــه‌عنوان همکاری و معونت بــه همسایگان و همجواران ویا اهــل‌قریه یاد آور گردید و بعضــاً

مسلمانان را در ترحم بــا ذو ی‌القربی تشویق می نماید که‌همه وهمه این فرموده ها ی قــرآن‌کریم وپیامبر اسلام مبتنی بــر صلح وامنیت در قریه و ده مــی باشد وهدف کلی از زنده گــی بشری همانا عدالت اجتماعی در بین افراد واشخاص بوده که‌آنهم

بدون صلح نمی توان عدالــت‌ومساوات را در یافت و ما برای تشریح این مطلــب اندکــی‌از‌تفسیر مفسرین واحادیث شریف در باره صلح یاد آور می شو یــم‌ومی بینیم تا چه اندازه اسلام به صلح ، امنیت ، وزیست با همی‌در قریه و همجواری اهمیــــت

را قایل شده ویا برای پیروا ن‌اسلام تائید و تاکید امر فرموده است ودر ارسال رسل هم همین‌هدف نهفته است تا انسا نهــا بتوانند درست زنده‌گی کننــــد وتجاوزعلیه‌یکدیگر صورت‌نگیرد

چنانچه این مفهوم در تفسیرآیه نهفته است که خداوند متعـــال می فرماید : «وما اریدان اخالفکم‌الی ما انها کم عنه ان ارید الاالا صلاح ما استطعت وما توفیقــی‌الابالله » من اراده ندارم آنکــه مخالفت باشما داشته باشم به‌آنچه‌شما رامنع می کنم مــن ارا ده ندارم مگر اصلاح‌شما راتا اندازه‌توانایی وقدرت و بدون خداوند

دگر توفیقی را نمی خواهم واین‌آیه شریف در بیان قصص قــوم شعیب آمده زمانیکه حضــر ت‌شعیب فر ستاده شد به قوم خود وآنان رابه وحدت دعوت کــردعادت قوم آن کم کردن و زن در معاملات شان بود وبه دگرمفاسداخلاقی و مخالفت های اجتما عی دست می زد ند حضرت شعیــب‌آنان را از اعمالی که خلاف اخلاق

اجتماعی و مضر به نظم و نسق اجتماع بود وفساد را در قـــوم به بار می آورد منع فرمود امـا قوم شعیب به فکر آن افتاد ندکه حضرت شعیب مارا ازین کـار وعملی که از آبأ واجداد ما بطور وراثت رسیده شاید بروی عناد ومخالفت وانزوا جویی منع میکند وبجواب آنان حضرت شعیـــب علیه السلام فر مودند که مـــن مخالفت شما را اراده ندارم بلکه آرزو دارم که شمارا اصلاح نمایم در تفسیر قرطبی آمده اســـت من اراده ندارم به جز از فعـــل اصلاح وآنکه در دنیای شما صلح ومساوات را در میان آورم .

ودر تفسیر مظهری آورده :

یعنی من اراده ندارم که شمارا منع کنم تا من این کسب ر ا به نفع خود انجام دهم هرگز این کار را انجام نخواهم داد واگـــر کارخوبی بودی انجام میدادم وباشما موافقت میکردم لکـــن من دوست دارم برای شماآ نچه برای نفس خود دوست دارم و مکرو ه می پندارم برای شما آنچه مـن دوست ندارم و اراده ندارم ا ز ترك این عمل بجز از اصلاح شما واز بین بردن فساد در بین شماو به تمام عالم اراده دگر نیســـت وهدف کلی و مقصد اصلی از ین اصلاح صلح قومی و قریه است تـا بتواند با اهل قریه ودهکده خود با فضای دوستی و صمیمیـــت زنده گی کنیم واز مخالفت هـای که باعث قطع رشته قومـــی وهمجواری است دوری جوئیـــم زیرا قوم و همسایه حقوق داردکه آن حقوق را میتوان با صلح وآرامی ودوستی انجام داد ورنه نمـــی توان با دساتیر اسلام موفق بود حضرت انس از پیامبر اســـلا م روایت نموده که پیامبر فرمودند:

قسم به آن ذاتیکـه نفـــس من به قدرت اوست مؤمن گفته نمی شود کسی که دوست ندراد برای برادر خود آنچه دوست دارد برای نفس خود. این خود گـواه برآنست که از همه عمده تر ومهم تر حضرت رسالت پناه صلـــح وفضای دوستی را بعداز صلـح

ودوستی در خانواده، دوستـــی‌را در قریه و همجوار ی دانسته است ودستور میدهد تا هر بنده که در موضو عات اسلامی خویش عقیده مندی کامل دارد و بـــر اساسات دین مقدس اسلام گا م های برجسته ومتین را بر میداردبر اولازم است تا با همجوار و هسمایه رویه نیك واخلاق درست‌را داشته باشد وصمیمیت را در میان قریه وهمنوعان خود بیاورداز حضرت علی کرم الله و جهه روایت شده که فرمودند جـــای تعجب است از مرد مسلمانی‌کـه برادر مسلمانش برای حاجتی به‌او مراجعه کند وا و خود را اهل خیر نبیند پس اگر امید ثـواب‌ندارد واز عقاب نمیترسد بـــه حقیقت سز اوار است به ار زش کار نیك در انجام آن شتـــا ب کند زیرا این امر دلالت میکنـدبر راه نجات. مردی به‌آن حضرت عرض کرد آیا این راز پیامبـــر اسلام شنید ه یی فرمودند: بلی ، وازآ ن خبر بهتر این اســت‌وقتیکه اسیران قبیلــــه طی را آوردند دربین آنــان دختر کـــی‌نیز بود عرض کرد یا محمد چه شود اگر مرا آزاد کنید و مـــرامورد شما تت وسر زنش قبائـل اعراب قرار ندهید زیرا مـــن‌دختر کسی هستم که اشخاص بی پناه‌را پشتیبانی مینمود واسیران‌را آزاد می کرد وبه مسا فریـن طعام و جای میداد واز احـــوال‌آنان درست وارثــــی میکرد و هیچوقت حاجت مندی کسی رارد نمی کرد ومن دختر حاتـــم طایی هستم پیامبراسلام فرمودندای دخترك این سخنان که شمـا می گوئید صفت مؤمان است اگر پدرت مسلمان میبود برای ا و طلب رحمت می کردم وبعـــــدا امر نمود دختر را آزاد نماید زیرا پدرش اخلاق نیك را دوست مـی‌داشت وخدا اخلاق نیك را دوست دارد از فرمودهٔ حضرت پیامبـر واضح است که زنده گی درقریه وآن هم در فضای دوستی وبـه‌اخلاق نیکو که زداینده کینـــه وخد شات هوای نفسانی اســت‌صلح را ببار می آرد و دوستـــی درآن قریه موج مــــــی زند وپیامبر اسلام موضوع اخلاق نیکو را ستایش نمود و دخترکسی راکه اخلاق حسنه داشت ازاسارت رها کرد بمنظور آن بود که‌اخلاق‌حسنه آورنده صلح و آشتی د ر

بین افراد قریه ودهکده میبا شدودر این آشتی وصلح میتوا ن زنده‌گی رابهبود بخشیددرصلح‌میتواند دهقان زمین را در جوار قریه شخم زند آبیاری کنـــد وحاصل فراوان رابه اثر زحما ت مثمر بدست آورد ومواد غذایـی‌قریه را تامین کند و تجار مـــی تواند در فضای صلح در قـــریه‌اموال وارداتی رابه قلب مطمئن و آرام با منابع مربوط بر سانـــدوسایـــر احتیا جـــات اولیه از قبیل غذاولباس‌قریه‌راتکمیل‌نمودودر صلح میتوان درس آ موخت وبمکتب رفت‌و بالا خره انجنیـرخوب ویا مهندس لایق گردیـــد وآموز گار درست به جامعه‌تقدیم‌شد بااین صورت تمام کمبو دی های قریه در صلح تامین میگرددوزنده‌گی خوب را نصیب میشود وما می توانیم بگوئیم که صلـح‌را در قریه میتواند چند کلمـــه جامع ذیل که در عمل پیاده شودبمیان آورد : معاشرت نیکو بـا مردم، احسان وبخشش کـــردن، ملایمت وخو شر فتاری در بیـن مردم، راه ورسم نیك را پخـش کردن، به‌مردم‌طعام دادن‌مخصوصاً به مستحقین و محتاجین، برخوردباسلام و خوشر ویی و عیـاد ت مریضان قریه به هر حالت کـه‌باشد شریك شدن باغم ودردقریه، از قبیل جنازه و غیره خوشـــرفتاری با همسایه خواه مسلمـا ن باشد ویا کافر و غیره ، احترا م‌به کلان سالان قریه و شفقت بر اطفال آن، دعوت‌کردن از دگران، وپذیر فتن دعوت دگران ، اصلاح بین اشخاص قریه در صورت‌بروزکدام مخالفـــت ، فـــرو بردن خشـــم د ر مقـــا بـــــل‌افراد واشخاص ، از خـود گذری در خدمت و همکاری با اهل قریه،ودوری جستن از اعمال بیهـود ه ما نندچشم دوختن‌بمال و نامو س‌دیگران ، مکر وخدعـــه ، دروغ وغیبت ، تکبر ، بدخلقی ، خـودپسندی وسر کشی وغیره اعمالی که خلاف نظم ونسق و دسپلین‌اجتماعی باشد ، در صورت بروز خلاف از موازین ذکر شده نوعی‌از تشنج را بار می آورد ویـــا لااقل صمیمیت در بین افــرادواشخاص قریه و ده پیدا شـد ه واین فضای مکدر وتیـــره باعث‌آن شده تابه سرحد سیاه دلـــی وبر خورد غیر مسئولانه دربرابراهل قریه وهم جواران گردد واین

برخورد بر علاوه که منطقـــی ،ومرغوب نیست فضایی دیگر ئیٔ
بوجود می آورد که آن هم‌عبارت‌از جنگ و جدال کشیده‌گـــی
بی میلی ، وبد گمانی در مقا بل‌یکدیگر وبالاخره روح آزاد پسند
و غریزه خود خواهی که مفضـی‌بسوی طرقی میگردد که خلا ف
رشته الفت و همجواری شـده وخلاف احکام شرعی و فقه حنفـی
ویا دساتیر عمومی اسلا می مـی‌گردد ، آنگاه لابد باید تحر یـر
نمائیم و عقیده مند باشیم کـــه‌ضرور تاًاز ین خلاف های بـــی
موجب بهتر است تا در قریه وده‌موجبات صلح‌وامنیت فراهم‌آوردم
شود تا ازین بدبختی ها وبـــی‌نظمی ها اهل آن قریه نجات پیدا
کنند وبه زنده‌گی مرفه ، شگوفان‌وآرام ادامه دهند، وبه احکـــام
الهی والفت اجتماعی راه رونـدوحیات بسربرندوخوشی وسعادت
در قریه رو براه شود وافـــرادسالم در جامعه تقدیم گردد مـــا
طوریکه بیان کردیم از دساتیـرشریعت غرای محمدی ، افغانـان
عنعنه هم دارند که موافق بـــه‌احکام اسلام است هر گاه دربین
افراد قریه وده کدام جنگ ویـااختلاف پیدا شود یکنفر بنـــام
قریه دار وجود دارد ویا امـا م‌وخطیب قریه ومحله که آنـــا ن
منحیث کلان و شخص با اعتبـاروبا نفوذ در بین قریه انتخـا ب
ویا شناخته شده منیحث مصلــح‌وخیر اندیش پا در میان میگذارد
در موضوع قضاوت نموده ویـــاآنچه خیر دو جانب متصور است
وراه عدل وانصاف درآن نهفتـه‌است حکم می نمایند آن حکـــم
منحیث قضاوت‌یکطرفه و یکجانبه‌نمی باشد بلکه آن اصلاح ذا ت
البینی وخیر اندیشی بین قریـه‌گفته میشود و مردم افغانستا ن
درآن عنعنه عادت دارند و خـو گرفتند بخصوص در اطـــراف
ولایات وحتی قریجات دور دست‌هیچگاه حکمیت آنان بد ســـت
قدرت دولت نمی افتد بلکـــه یگانه اتکأ آنان همانا کلان قریه
وخطیب وامام قریه بوده و ســـرانجام کار شا ن واختلاف شـــا ن
ازطریق صلح وآشتی وفضـــای‌دوستی رفع میگردد وصلح حاکم
وقاضی بین قرأ ودهـــا ت‌می باشد .

صلح در وطن و منطقه

وطن جائیگاه پرورش وزادگاه آبایی ومسقط الراس انسان است که در آنجا سر بدنیا بدر آورده واز هسته مواد غذایی آن صورت بسته وطن جای بود وباش ومأمن انسان بوده ومنیحث مادر در انکشاف و در تربیه او رول عمده دارد وباید دروطن دوستی وفا داشت واز بیابان وسیع تاقله های شامخ آن دفاع و از نعمات ولذا یذ آن استفاده نمودودر هوا و فضای آزاد آن تنفس ودر آغوش پر مهر وعطوفت آن باعشرت و آسایش زنده گی کرد وطن است که در آن از طفلی تغذیه و تربیه میشود و آنگاه در مکتب و مدرسه علم می آموزدودر نوشتن و کتابت دست می یازد وبعدا زنده گی خانوا ده راشروع نموده در کسب و کار روز مره ودر تربیه اولاد واحفادسهم شائیسته میگیرد وبالا خره تمام تمایلات و خواهشات خود راز همین وطن طلب گار است و وطن به او جواب مثبت مید هدوزنده گی انسان در همین جا به پایان می رسد انسان در وطن جامعه را تشکیل میدهد و نظم ونسق را مقرر ساخته به تاسی ازآن ابرو مندانه حیات بسر میبر د لذا افراد ضرورت دارند که وظیفه وطنی را بیاد داشته باشند وبه او عمل کنند اسلا ممحبت صیانت واحترام وطن را منحیث رکن اساسی و وجیبه دوست داشتنی بشمار می آ ر د بایکی از گفته های آشنا میشویم که فرموده است «حب الوطن من الایمان » دوستی وطن از جمله ایمان است ، وما در تمام دساتیر اسلامی احکام و شریعت غرا ی محمدی (ص) نبشته های را می

خوانیم که صراحتاً ویا اشار تـأاز خوبی ها ومزایای وطـــن به عنوان جامعه و جایگاه زنـده گـی انسا نها است یاد آوری مینماید در ریشه تمام افکار اسلامی فکرجامعه یعنی «امت» مسلمین قرا ر گرفته است از جنبه داخلی «امت» مرکب از جماعت و جماعت عبارت از افرادی است که بوسیله‌رشته‌های مذهبی ویا قومی و نژاد ی ویا فرهنگی بهم پیوسته انـد وبروی همبن علائق متذکــر ه‌در چنین جامعه اعضأ آن امت و یـاجامعـه بخدای یگانه وبر سالـت پیا مبران عقیده داشته انـــد ،وهمه مردم در مقابل خدا و د ر روابط خود شان باهم متسـاو ی‌اند البته بدون هیچگونه امتیـاز درجا ت ویا طبقات ویا نژاد اگرچه اختلاف در شغل و وظیفـــه شناخته شده و تشخیص میشـو داما نه از لحاظ بر تری بلکـه از نظر کسب زنده‌گی است و ایـن‌اسناد متذکره روی پایه گذا ری در تحکیم روابط وطنی و علائـق‌حسنه زیست در وطن واحد است افراد این وطن با خصائـــل وخصایص متخلق میباشند کـــه مبنای آن بر راستی و راستکاری و تعلیم ، بسلوك عدالت اجتما عی استوار است واین گونه کـار وفعالیت را در رابطه به زنده گی در تامین عدالت اجتماعی وقتـی‌میتوان ترتیب داد که درآن وطن وخانه مشترك زنده‌گی ، صلـح‌برقرار باشد ومردم آنجا صلـــح را پیشه خود قرار دهنـد ود رفروغ صلح به آرامی زنـــده گی کنند صلح اگر تامین نگردد فرزند انسان یعنی طفل نوزاد نمی تواند براحت زنده‌گی کندچنانچه‌به چشم سر مشاهده شدکه بـه اثر انفجار بم ها در بین سرویس‌های شهری انفجارات در مرکـز تجمع مردم بیگناه شهر کابـل وغیره مراکز عمده اجتما عـــا ت زیاد تر اطفال و نوجوا نان قربان‌این حوادث اسفـانگیز شدند واگر صلح ندرخشد اطفال نمی توانندعلم بیا موزند ودر مکتب برو ح آرام بروند و تعلیم و تر بیـــه‌درست را فرا گیرند واز نعمـت علم ودانش بهره مند شوند کـــه‌پیامبر اسلام فر مودند : «طلـب العلم فریضةعلی کل‌مسلم ومسلمة»

طلب علم فرض است بر هر مرد مسلمان و زن مسلمان
چنانچه ما شاهد تعطیل هزاران مکتب ومرکز آموزش در افغانستان هستیم که از طرف آنانیکه در علم و معرفت و فرهنگ علاقه ندارند وخلاف امنیت و صلح عمل میکنند مسدود گردیده و مردم آن سر زمین و قراء ولایات در عالم بیسوادی و عدم تربیه درست اطفال دچار وحشت ودر سراسیمه کی زندگی بسر می برندهر لحظه وهر ساعت درفکر آن هستند که چه طور بتوانند راه را انتخاب نمایند که ازین تبه روزی وبی سوادی خلاص شوند ودر د بستان علم و معرفت ودر مراجعت بمراکز تعلیم و تربیه مطلوب مقدس شانرا درفراگیری دانش حاصل نمایند و لحظه های خوش و خندان را درفکر آرام ودم استراحت بسر برند . این همه آرزو ها فقط در فضایی صورت میگیرد ویا در وطن وسر زمین جامه عمل می پوشد که در آن گو هر صلح وجود داشته باشد ومردم آن سرزمین در زنده گی صلح آمیز بسر برند حضرت خداوند میفرماید «لاخیر فی کثیر من نجوا هم الا من امر بصدقة او معروف اواصلاح بین الناس » سوره نسأ آیه (١١٤) نیست خیر ازبسیاری سر گوشی آنها مگر آن سر گوشی که امر به صدقات یا امر به نیکو ویا اصلاح در بین مردم باشد در تفاسیر چنین آمده است که منافقین در زمان حضرت پیامبر اسلام آمدند ودر نزدیك گوش حضرت محمد شده با او در خفیه سخن میگفتند ودر ظاهر اظهار ایمان به اسلام و عقیده به آن حضرت می نمودند ودر حقیقت امر مربوط و منوط به آن عده اشخاص بودند که به دشمنی اسلام و حضرت محمد بر خاسته بودند آیه شریف نازل شد که درین سر گوشی آنان خیر نیست وخفیه گفتن کار خوبی نیست مگر در سه موقع جائز وحتی ضرور است

١ ـ درهنگام صدقه دادن زیرادر خفیه آن ثواب واجر بیشتر است ازاظهار آن تااینکه شخص که به او صدقه داده میشود تحت تأثیر نیاید وشر مندگی به او پیش نشود .

۲ـ برای امر معروف یعنـــی خیر که منفعت او برای تمـــا م مردم باشد . اجرا ء چنین امـــر اگر در خفیه انجام میگیرد کـــا ر خوب است تا اینکه قبل از انجـام به شکست مواجه نشود .

۳ـ در اصلاح بین مردم و آن اصلاح فرق ندارد بین دو شخـــص یا بین دو قریه ویا بین دو مملکت اگر در بین دو مملکت مسئلـــه اصلاح را در خفیه بدون اینکـــه از سخنان یك کشور کشور دیگر خبردار شود کار خوبی است زیرا اگر در بعضی ازسخنان یك کشور دیگری خبر شود شاید به نا کامی آنجامد آنگاه عملی پیش آید که موجب شکست درامر اصلاح گرددازین آیه شریف خوب دانسته شد وبر ملا گردید که امر اصلاح خیلی عمده ودر خور اهمیت است زیرا آنرا هم پایه به صدقه که همکاری با همنوعان است وامر معـــرو ف که پایه های اجتماعی یك جامعه را تحکیم می بخشد دانسته است واین اصلاح است که تمام پایـــه های مادی و معنوی یك کشـــو ر و مملکت را تحکیم و جامعـــه را بسوی واقعیت بینی ر حقیقـــت گرایی و پیشرفت و ترقـــــــی رهسپار می سازد وصلح در قرآن شریف بخاطـــر به خیر ومعروف تعبیر شده که گذارنده اســا س علم ، برده باری صبر و ثبـــا ت مال اندیشی در حوادث و وقـــایع ناهنجار بوده است و میتـــوا ن در برابر سیل غیظ زور گو یـــی و تجاوز بپا خاست نگذاشت تیری بر روشنی دلهای پـــــــــــــر از محبت ، دوستی و آشتی خلد .

که درین صورت عمل بالمثـــل طرف مقابل را بر می انگیـــر د و آسایش طرفین ویا دو لتیـــن دست خوش تصادم شده و کشتی آرزوی مقدس انسانیت را امواج قهر وغضب زور آزمایان و هوس مندان غرق خواهد ساخت زیـــرا این انسان این هستـــی مکرم و اجتماعی لابد در برخورد بـــــا اشخاص همنوع گروه ویا اجتماع خود بخاطر بر آورده ساختـــــن نیاز آدمی و جهت تکمیل خواست انسانی و برطرف نمودن موانع راه زنده گی گاه نا گاه در یـــن برخورد های لاز مـــی و طبیعـــی مواجه میشود که آنرا از جملـــه

وجائب و وظایف ، حقوق وامانات افراد جامعه یا مملکت میتوان شمرد وهر گاه با برخورد های ناسالم ، مخرب وبا صطلاح بر هم زننده آسایش افراد و اشخاص جامعه که ناشی از عدم اهتمام به وظایف محوله وبا تطبیق نا درست مقررات و جائب ووظایف اجتماعی یك مملکت ویک وطن است روبرو شد ، صله وعاطفه صلح زا طور آنی وفوری سر وقتش نرسید پس فجایع ازآن به وجود می آید که تلافی اش دشوار یهای بزرگ را درعقب دارد معذالك نقش فعال و ثابت افراد در برابر اجتماع یا وطن ضامن استحکام پایه های سربلندی جامعه میتواند باشد آن چنان نقش عالی جامعه سیاسی در برابر جامعه سیاسی دیگر یا نقش ملت ها در برابر سایر ملل جهان با رعایت اصل احترام به تمامیت ارضی و استقلال ملی وعدم مداخله در امور یکد یگر برای استحکام جهان بشریت و تمدن و پیشرفت میتواند شد که باحفظ برابری و برادری درجامعه زیست با اصل احترام متقابل تمام جوامع بشری و رعایت عموم موازین حقوق بین الدول میتوان راه صلح و آشتی ، برابری وهمکاری ، تعاون بین دول را تامین و وسایل آسایش و رفاه و سعادت بشر را تضمین نمود ، اما زنهار مثلیکه آشتی وبرادری و روح انسان دوستی وتأمین صلح در بین افراد ویاقریه ویا بین دول و کشور های جهان فروغ آفتاب سعادت را درآن جوامع و کشور ها تجلی میدهد همانطور ظلمات اختلاف و تشنج کشور ها وسیله تاریکی وبهم زننده روح آشتی وروابط حسنه برادری میشود که باعث تجاوز و برخورد یکی ازملل جهان علیه ملت و یا کشور دیگر میشود، آری! صلح نوید بخش بوده وراه‌های خیر و سعادت جانب دو کشور ویا دوملت درگیر شده میتواند چه صلح حکم صادر نموده تا طرفین در گیر بواسطه رنج دایمی وتلف مالی و انسانی تا حدی باید از خواست های خود به عقب رفته و بسبب از دست دادن اندکی از مطالبات یکدیگر شوند و منفعت بزرگ

مدنی و دوستی طرفین را حفـــظ نمود ودر افغانستان عزیز ما به اثر مخالفت های داخلی ومداخلات اجنبی به جهت سد شدن د ر راه پیشرفت انقلاب ملی ودموکراتیك ثور از مدت هشت سال به ایـن طرف برادر کشی ، خو نر یز ی ونا امنی وجود دارد که این وضع زاده سیل اسلحه به افغا نستا ن شده است با اینکه جد وجهد کامل مردم افغانستان برای صلـــح دایمی و ضروری صورت گرفته تا باشد که اعمار جامعه نو یـــن و شگوفانی وطن و پیشر فـــت وترقی اتباع وطن در میـــا ن آید بازهم روز بروز جنگ نـــه تنها به بم بست ومقاطعه نمـــی رسد بلکه به حمایه امپر یا لیزم ومحافل ارتجاعی همدستان اودرمنطقه تیز تر شده میرود امـــا بالعکس از طرف دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان پیشنهادات سازنده برای قطع مداخلـه د رامور داخلی دول ناحیه و منطقه وعدم استفاده از سر زمین یـك دولت غرض براه انداختن تجا وز علیه دولت دیگر تقدیم میگر د دحکومت ج.د.ا. آماده گی خویش را غرض براه انداختن مذاکرا ت یکجا نبه وچند جانبه و مذا کرات از طریق حسن نیت سر منشـــی سازمان ملل متحد و نماینده خاص وفوق العاده او ابراز داشتـــه است حکومت افغانستان عفـــو عمومی را بنا به فرموده حضرت خداوند(ج) «والعافین عن الناس» اعلان نموده و تضمین کمـــك غرض تامین حیات عادی رابه تمام اتباع افغانی که موقتاً در کشو رهای همسایه بسر می برند اعلان داشته است . در عین حال بازهم به اثر مداخلات که در امور داخلی افغانستان مشاهده میشود صلح تأمین نمی گرددرین بارهخداوند فر موده است : (وان جنحـــو اللسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هوا لسمیع العلیـــــم)واگر میل کنند بصلح تو هـــم میل کن بسوی آن و توکل کـن برخدای هر آئینه خـــدا شنو او دانا است ممکن است وقتی فـرارسد که جانب مقابل هنگا میکـه آماده گی مسلمانان و قربانی های فدا کار انه آنها را مشاهده کنند مرغوب شوند و خواستگار صلـح گردند به پیغمبر ارشاد میشودکه

او نیز بروفق مصلحت دســـتآشتی دراز نماید زیرا مقصد از جنگ دفع فتنه و تأمین عدا لتاجتماعی است نه خونریزی اگـر مطلب بدون خو نریزی بدستآید چه حاجت است که خونهـــا ریخته شود پیش از اسلام درعربجدال و قتال ، نفاق ، وشقـــاق عمومیت داشت قبایل عرب بـــهاندك سخن با یکدیگر در مـــی آویختند ، چون در بین دو قبیلهجنگ واقع میشد قرنها آتش آن خاموش نمی گرد ید دربین د وقبیله نیرومند مدینه یکـی اوس ودیگری خزرج سلسله رقا بـتهای جا هلانه حربی ، بغـض و عداوت دیرینه به هیچ صـــور تخاتمه نمی یافت همه تشنه خون و آرزومند ریختن شرف وابروییکدیگر بودند درین اثنا حضرت محمد رسول الله صلی الله علیهوسلم با احکام عالم شمول توحید ومعرفت ، اتحاد واخوت مبعو ثگردید مردم ذات فرخنده وی را هم یك جنبه مخالف قرار دادنـــدهمه متحد شدند تمام مخالفتهای خود را سوی او متوجه گردانیدند ، کینه و عداوت دیرینه ر ا گذاشتند و دشمنی ذات قدسـیصفات حضرت رسول کریم را مطمح نظر قـــرار داد نـــد. ازنصایح او مضطرب می شد نـــد و دور می رفتند ، هیچ قو تی دردنیا موجود نبود که در آن درند گان خون خواروگروه بهایم کردارروح معرفت حـــق و عدالـــــت اجتماعی واخوت نبوی رادر کالبدآنان دمد وهمه را یکدم بهرشته اخوت والفت بیدار و مطیع اوامرجان نثار آن ذات مقدس که چند مدت پیشتر مبغوض تر از آن کسی نبود گرداند بدون شبهـه اگر گنجهای جهان صرف میشـداین مقصد که محض برحمت الهی واعانت خداوندی بچنینسهولت حاصل گردید بدست نمی آمـــد خداوند متعال الفت یکی را بیشاز برادر حقیقی در دل دیگـر ی افگند وسپس ذات منبع البر کاتپیامبر اسلام را مرکز اجتما عـی اتفاق واتحاد گرداند وبه او امر کرد که هر گاه دست صلح واتحاد را بسوی تو دراز میکنند تو همدست دوستی وصلح را به طـرف شان دراز کن ومنحیث رهنمـودبرای سایر مؤمنین تا اکنـــو ن

باقی مانده و آنانیکه داد از اسلام واسلامیت می زنند باید به این امر متوجه باشند واز هدایت فوق پیروی کنند اما نه چنان است چندین با ردولت انقلابی ومسلمان افغانستان منحیث کشور دارای دیانت پاك ، و دارای سابقه زیاد در اسلامیت دست برادری و دوستی ، صلح و آشتی‌را جانب تمام مسلمانان دراز نموده وخواهان روابط حسن همجواری گردیده اما تا اکنون به ندای صلح وآشتی جواب مثبت داده نشده بلکه روز بروز آتش جنگ تیز تر میشود ، ماآرزومندیم خلقهای بپا خاسته جهان حقایق را چنانکه درك کرده اند در عمل هم به امر صلح وبتاسی از هدایات قرآن ورهنمود های اسلام و طریقه ائمه مسلمین کمر همت بندد و درین عمل خیر که عبارت از پیروی از صلح باشد مردم ما آماده شوند تا در بین مردم ما صلح دایمی و سازنده برقرار شود ویقین است که صلح نوعی پانهادن بر خواسته های قسمی حقه نهادن و گذشتن ازسهم نیاز مندیهای مسلم زنده گی در برابر نگهداری خیر دیگران وحفظ روابط نوع پروری ، صله و عاطفه ، بواسطه نپا شیدن مناسبات انسانی واز بین نرفتن عیش وطرب بشری است، تحکیم شیرازه زیست با همی دو طرف مقابل اقدام نیکوئی است که می توان در بقایی نسل های بشر و روابط حسنه و علایق عطوفت ومودت را تشدید و خدمت بس بزرگ و وسیعی را انجام داد ،زیرا صلح است که بدان قلب ذره را به خیر عامه وجامعه شگافت در پناه صلح می توان به شیوع علم معرفت وتمدن راه یافت در کشف مکنونات طبیعت وابتکارات عجیب ومحیر العقول با اطمینان وافی و کافی دست یافته ودر خدمت بشر آنراقرار داد با اینکه همه خوبی ها وستودگی ها در صلح پیدا ست بازهم دیده میشود بالعکس با مثال مشابه که در افغانستان وجود دارد بلکه با حدت و آشوب بیشتر از طرف امپر یالیزم علیه لبنان وملت ستمدیده عرب فلسطین براه انداخته شده تا به این وتیره کشانده شده که اهل

وتجدیده فلسطین در هر گوشه وکنار دنیا مهاجرت نمودند و از انظار اسرائیل خونخوار متواری گردیده اند.

همچنین ما در میان دو کشورمسلمان وبرادر همجوار و هم مذهب ایران و عراق مخاصمت را دیده تا سرحدی که جوانان تازه ونو باوه همه از بین رفته اند واین هرج ومرج را در هر گوشه و کنار دنیا که دیده میشود از تحریکات اجنبی و بهره کشی های کشور های ارتجاعی بایددانست بنأ ماز مردم صلح جو وعدالت پسند خواستاریم انسانیست وحکم وجدان بشری بنا م عاطفه اسلامی و انسانی با مداخله هر چه سریعتر در اطفای این آتش خانمان سوز جهتین پرداخته از نا آرامی های موجود که خدای نا خواسته روزی وسیله تباهی جهان خواهد شد جلوگیری کند تاکشور های ذی دخل متذکره بتوانند بوظایف اصلی خود که تأمین مدنیت وشگوفانی انسان وانسانیت است با خاطر آرام وبی دغدغه پرداخته بساط فقر ومسکنت ، گرسنگی ، بیماری ناشی از سؤ تغذی و فضأ کثیف از روی زمین کشور های متذکره از بین بر داشته شود واین موضوع بتاسی ازگفته حضرت خداوند(ج) می باشد که در قرآن شریف آمده است. (وان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدا هما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفی الی امر الله فان فائت فاصلحو بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین) واگر دو گروه از مؤمنین باهم جنگ کنند پس اصلاح کنید میان ایشان اگر تعدی و تجاوز کردیکی از دو گروه بر دیگری پس جنگ کنید باآن گروه که تجاوز گر است تاکه رجوع کند بسوی حکم خدا واگر روجوع کرد به حکم خدا گروه متعدی پس اصلاح کنید میان ایشان به عدل و برابری وعدل کنید خداوند دوست دارد عدل کننده گانرا باوجود این پیش بینی ها اگر تصادفاً دو گروه مسلمان ویا دو مملکت هم جوارداخل جنگ و مخاصمت شوند به کوشش انتهایی خود اختلاف آنهارا رفع نمائید اگر کامیا بی

بدست نیامد ویکی ازین فر یقین ویا مملکتین بر دیگری هجــو م آورد وبر ظلم و عدوان و تخلف کمر بندد نباید بیغرض نشست وتماشاگر د بلکه تمام مسلما نا ن ویا کشور های صلح دوست متحد شده با گروه ستم گار جهت جلو گیری از تجاوز و ظلم به جنگید تا اینکه آن فریق تجاوز گرمجبور شده از زیاده روی های خود دست بردار شده بسوی حکم خدا رجوع وبه صلح راضی شو ند ، درآنوقت بر مسلمانان لازم است کــــه بامساوات وانصاف تام در میـــان هر دو فریق صلح و آشتی برپا کنند وبه طرفداری یکی از جاده حق منحرف نشوند ، نزول آیت بروفق صحیحین راجع به هنگامه عارض دو گروه انصار ، یعنــی اوس و خزرج به عمل آمده است چنانچه آن حضرت (ص) بر وفق این آیت در میـــان آنها صلح و آشتی را قائم نمود کسا نیکــه مقابل خلیفه ویا روسایی دولت بغاوت میکنند آنها هم در عمو م آیت داخل اند چنانچه علمــا پیش از قدیم الایام در مسئلــه باغیان وسر کشان دولت ازهمین آیت استدلال میکرده اند لیکــن چنانچه از شأن و نزول آیت بر می آید این حکم تمــام مناقشات ومشاجرات اجتماعی مسلما نان را دربر می گیرد وبلکه امروز کــه اسلام در هر گوشه و کنار دنیا و جهان گسترش یافته وبه کشــورهای متعدد تقسیم بندی سیاسی یافته شامل دو کشور و چند یــن کشور هم میشوند زیرا در آیه دیگر آمده است . (انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخو یکم واتقوا الله لعلکـــــم تر حمـــو ن)

جز این نیست که مؤمنـــا ن برادر همدیگر اند پس اصلا ح کنید در میان دو برادر خود وبترسید از خداوند تا بشمارحم کرده شود در هریك از حالات صلح وجنگ باید در نظر گرفته شود که جنگ بین دو برادر مؤمن و یـــا مصالحت در بین دو برادر است برعلاوه و قتیکه دو برادر بـــا دیگر تصادم کنند همانطور ایشا نرا به حال خود شان مگذار یـــد بلکه برای اصلاح جانبین کوشش انتهایی نمائید ودر حین اجـــراء چنین کوشش از خداوند خائف و ترسان بوده تا به هیچ صورت طرفداری غیر عادلانه صـــورت نگیرد .

صلح در جهان

کره زمین جای بودوباش انسان‌ها وسایر حیوانات‌خزنده وپرنده ومعیشت گاه همه جنبند گـان‌می باشد که این حقیقت نیازی‌به استدلال واثبات ندارد در بیـن‌تمام موجودات زنده انسان یـک موجود اجتماعی و دارای عقل وسنجش و مفکوره عالی آفر یـده شده که خلقتأ متمایز از سایـرحیوانات بزیور هستی آراستـه گردیده واز نظر کرامت ذا تـی‌برتری قابل ملاحظه حاصل نموده که بدین ملحوظ از طرف خداونـدمکلف به امور شرعی و اجتماعی گردیده که در انجام دادن امـورتوظیف شده ضروریات دینی خود را در رابطه اطاعت فرامین الهی‌ادا ء وبه مسایل فردی و اجتماعی مطابق شرایط اهتمام می ورزدکه بدینوسیله حیثیت خلیفه خدا را در روی زمین ایفـا مینماید وراستی هم باید چنین باشد زیرا وقتی خداوند برای ملایکه فر مود که من در روی زمین خلیفهٔ راپیدا میکنم ملایکه گفتند که خداوندآیا خلیفه پیدا می کنی کـه در روی زمین فساد را درمیان آورندو زمین را در تباهی کشند ؟ ما تسبیح و تقدیس ترا میکنیـمخداوند بجواب ملایکه فر مود من ازشما عالم‌تر هستم در امر ایجادوپیدایش عالمیان بهتر میدانـم وهمان بود که آدمیان را در روی‌زمین پیدا نمود تامنحیث خلیفـه خدا در روی زمین برای اعمـا روشکوفانی زمین وظیفهٔ خـود را ایفأ کنند واکنون انسانها کـه بمصداق خلافت و توظیف به‌این امر بزرگ تمامأ در زمین حـق‌مساویانه دارند میتوانند در امر اعمار آن مساویانه سهم بگیرند. از هوای آن آزادانه تنفس و از همه نعمات آن با کمال صداقـت‌وامانت داری مساویانه استفاده نمایند ، وقتی خداوند موضـوع‌خلافت آدمی را در زمین بـرا ی ملایکه مطرح ساخت فرشتگـا ن‌در اندیشه افتادند که چه حکمت است که خداوند قدیر ومتعـا ل‌باوجود فرمانبرداری و اطـاعت ما، انسان را خلیفه می سازد که‌دربین آنان مردمان مفسد وخون ریز پدید می‌آید؟ فرشتگان ایـن‌امر را از پیشگاه خداوند بغرض استفاده سوال کردند نه اعتراض‌بر آفرینش خداوند ویا علـم و

دانش خداوند وقتی ذات احدیت بی‌مثال آدم را پیدا کرد برای ملایکه فرمود که اسمأ اشیأ را بامسمات و فواید وخواص شان بگوئید آنان از گفتن اسمأ اشیأاظهار عجز نمودند و حضرت آدم به الهام با سمأ اشیأ و خواص آنهـــا با خبـــر بوده

خداوند اسمأ حقایق‌خواص ، سود وزیان اشیأ را بی وسیله سخن بر ضمیر آدم القأکرد زیرا خلافت و حکمروایی بردنیا جز به کمال علمی ممکن نباشد چون از فرشتگان اسمأ وکوایف اشیأ سوال شد وفرشتگان به عجز خود اعتراف

نمودند تا نیك بدانند که خلافت‌زمین جز با داشتن علم عمومی ودانستن خواص اشیأ کسی را میسر نیست ما باعلم مختصر خویش سزاوار خلافت شده نمی‌توانیم اما حضرت آدم با سرعت نام اشیأ و خواص آنان را بـه‌فرشتگان بیان کرد و بر دانش

وسیع او آفرین گفتند ازین‌جا ثابت میشود کـه علم بر عبادت افضل است ومقصـود ازخلافت در روی زمین معلومات داشتن و خواص جامعه را دانستن‌است وبه جامعه خدمت کردن ودر اعمار و شکوفایی زمین با داشتن‌علم به سر سبزی آن سهم

داشتن است واین اعمار زمین واجراء خلافت بنده در زمین‌وقت میسر میشود که ما کرۀ زمین رادرصلح بیابیم وصلح در زمین بر قرار باشد و مردم در فضای‌صلح زنده‌گی کنند .

در زمان ما بشریت یکی ازپیچیده ترین دوران های تاریخ خود را از سر می گذرانند درسال‌های پیش بارها گفته شده است که جهان به دوراهی سر نوشت‌سازی که درآن سیرا نکشاف بعدی آن تعین خواهد شد نزدیك‌میشود آیا این راه صلح،همکاری ثمربخش متقابل بین المللی وحل‌مشترك وسازنده مسایل مبرم ودشواری که اکنون در برا بر بشریت قرار دارد . خواهد بود یا راه مقابله، درگیری و کشمکش‌راه مسابقات تسلیحاتی ، و فزایش تشنج و لغزش تدریجی‌بسوی یك جنگ جهانی هسته یی ولی هیچگاه تاهنوز این دوراهی بدینسان نزدیك نبوده است .

هیچگاه مسئله اساسی انتخاب راه چنانکه‌در روزگار ما است



تند ومبرم در برابر خلق ها قرار نگرفته است اوضاع بخا طری چنین است که مبارزه نیرو هایی جانب دار همزیستی مسالمت آمیز میان کشور های دارای نظــا مهای اجتماعی متفاوت با نیــرو های تجاوز گر امپر یالیستی که برخورد خصمانه خود را نسبت به پروسه تشنج زدایی جهانــــی پوشیده نمـــی دارند. پیش از هر زمــان دیگری شدت یا فتــه وخصلت جهانی به خود گرفته در عرصه بین المللی مبارزه میـــان مشی تجاوز گرانه امپر یالستی و نیرو های صلح دوست بشــد تـ هرچه بیشتر شعله ور می گــردد مبارزه نیرو های عاقل و صلــح علیه نیرو های جنگ وتباه کــن انسان به فاز مهم ممکن است وبه فاز حل کننده خود وارد گردد در این مورد اسلام که یگانه هدفش تامین صلح وامنیت در جهان می باشد دساتیر را به پیراوان خودصادر نموده است و پیروان خود را بلکه تمام بشریت که در رو ی زمین زنده گی میکنند ومنحیــــث خلیفه خدانقش خود را ادا ء مـی نمایند به این امر والا مطلع مــی سازد که شما در روی زمین خلافت اصیل خود را اجرا ء کنیــــد طفره روی از دساتیر در جهــت تعمیل امر مربوط بخلافت مخالف صریح از مشی این هدایت اســت شما جهت اعمار و شکوفایی کـرهٔ زمین وبه جهت زنده گی کــرد نمرفه و آرام خلق شده ایدبنـــأ همان هدف را تعقیب کنید کــه برای آن زنده هستید نه اینکــه جهت خلاف در امـــر اعمـــا ر وشکوفایی جهان رفتار نمائیــد و آنگاه در تباهی وازبین بــرد نزیبایی زمین ویا فساد و تــاراج علیه ساکنین زمین مسبب اسبا بشوید خداوند درین باره ذریعــه قرآن پاك که منحیث قانون قدسی وملکوتی اسلام قابل قبول اســت چنین دستور صادر نموده است که :ولاتفسدو افی الارض بعـــد اصلاحها وادعوه خوفاو طمعا انرحمة الله قریب من المحسنین)

وفساد نکنید در زمین بعدا زاصلاح آن و بخوانید او را بترس وامید درین آیت رعایت حقــوق خالق ومخلوق توضیح میکردد و تعلیم داده میشود ، بعضی در حال که در دنیا معاملات حاطر زنده گی روز مره انسانان در حال اصلا ح باشد درآن اختلاف میفکنید و در

تباهی زمین و آنچه در روی زمین زنده‌گی میکند اصرار نورزیدو نه از رحمت وی ناامید شوید و نه‌ازعذاب او ایمن بلکه دربین خوف ورجأ باطاعت و عبادت خداوند مشغول شوید ، اما امروز وقتی ما در کره زمین می نگریم برعکس موضوع مواجه میشویم در هر گوشه و کنار درهر مملکت‌ومنطقه‌درهر قاره و جزیره دگرگونی ها اختلاف و تشنج وجود دارد وانسان توسط انسان دگر از بین میرود وحتی بخاطر باید آورد که‌اسلحه ذروی وتباه کننده بشر باعث نابودی هزاران تن انسان‌وحیوان روی زمین میگردد وهر یك از محافل استعمار گر کوشش‌دارد تاسرحداختلاف رابه‌تسلیمی های کوچك تبدیل کند واز بهره‌کشی غیر مشروع وخلاف نظم اجتماعی و قوانین موضوعه بین‌المللی استفاده کنند بطریق مثال گفته میتوانیم که فعالیت های‌محافل تجاوز گر امپریالستی گواه برآن است که آنها میکوشندسلطه خود را برجهان مستقر سازند به تفوق نظامی ، استراتیژیك بر کشور های صلح دوست‌دست‌یا بندپروسه دگرگونی‌های اجتماعی را در سیاره ما مانع گردند و جنبش رهایی‌بخش‌ملی را سرکوب نمایند ، اوضاع جهان به‌اثر تشدید مشی تجاوزگرانه کشور های بی بند بار اجتماعی روز بروز پیچیده ترمی گردد تشنج در جهان بیشتر بروز می نماید ودر نتیجه این‌امر ناآرامی و نگرانی روزافزون مردم صلح دوست جهان را بار آورده است در سراسر جهان واضح و روشن است که همه‌محافل مترقی ، دموکراتیك وضد جنگ با پیگیری‌وقاطیت بیشتری به خاطر صلح وامنیت بین‌المللی در برابر سیاست زور گویان‌صف بسته اند و به جهت قطع مسابقات تسلیحاتی که هدفش‌جز تباهی بشر دیگر چیزی نمی باشد تدابیر مؤثر پیشروی‌گرفته‌اند تا در راه همزیستی مسالمت آمیز میان کشور های دارای نظام های اجتماعی متفاوت و کاهش تشنج در جهان مبارزه‌نمایند واین امر مبرهن است که حقیقت هیچگاه پنهان نمی ماندوراه حق واصول به مأمول را در

عقب دارد ، کشور های اسلامی وبه خصوص آنانیکه از راه‌وروش
پیامبر اسلام خوب‌پیروی میکنند یقیناً میدانند
که صلح باعث پیروزی در امور اجتماعی بشر بوده است
ولوکه صلح در جهان یکجا نبه‌هم باشد زیرا صلح حدیبیه که
پیامبر اسلام در میان آوردند باآنکه یکجانبه بود موفقیت رادر
عقب داشت دین مقدس اسلام که‌دین آشتی ومحبت ودین الفت
وهمزیستی است صلح را در همه‌اوقات‌ترجیح داده‌است‌وتمام‌افراد
بشر را در بین هم برادر دانسته‌و بموجب آیه‌شریف(ولقدکرمنا
بنی آدم) تاج کرامت را برسرآنها نهاده است صلح حدیبیه که
پرشکوه ترین واقعات زنده‌گانی‌حضرت پیامبر اسلام است و به
قرآن شریف بنام فتح مبین یادشده است اهل سیرو محدثین
مانند بخاری ومسلم این کتب‌معتبر نزد اهل اسلام چنین بیان
نموده اند که مادرین جا تفسیر‌ترجمه آنرا بیان میکنیم در سال
ششم هجری حضرت پیامبرخواب دید که با اصحاب خود به
مکه میرود وعمره ادامی نمایدچون خواب پیغمبران مانند وحی
دارای حقیقت است وقتی اصحاب‌خبرشدند ازینکه اشتیاق زیارت
بیت الله شریف زیاد داشتند باعث گردیدند تا در حال حرکت
کنند ورسول خدا با پانزده صدنفر ماه ذی القعده همان سال به
طرف مکه در حرکت شدند وزمان‌که به ذی الحلیفه با مسافه هفت
کیلو متری مدینه رسیدند احرام‌عمره را بستند و رسول خدا از
همه پیشتر یکنفر رااز قبیله خزاعه که هنوز بدین مقدس اسلام
مشرف نشده بودوبا مسلمانان‌علاقه دوستی زیاد داشت جهت
معلومات کردن نظر مشرکین‌بمکه‌فرستاد اگر چه احرام حضرت
پیامبر وپیروانش در ماه حرام صورت گرفته بود و بنابه عنعنه
مشرکین کسی حق نداشت ممانعت‌کند باز هم روی دشمنی‌چندساله
مشرکین بااسلام نفر روان کردندتا تشویش شان رفع گرددرسول
خدا و مسلمانان همه حرکت کردند وبمسافه دو منزل قریب
مکه رسیدند نفری شان واپس‌آمد وگفت که قریش مانع دخول

مسلمین در مکه میشوند و درین باره پافشاری دارند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با مسلمانان مشوره نمود که اگر با قریش جنگ کنیم ماه حرام است خوب نیست واگر واپس بمدینه رویم احرام که برای عمره بسته ایم چه کنیم مسلمین درین نظر شدند که ما اراده جنگ با قریش را نداریم و محض برای عمره آمدیم وقت مشرکین قریش سد راه ما شوند مجبور به دفاع ازخود محاربه را اختیار مینمائیم وبه ما گناه نیست . ما باید برای نیل بمقصد از عزم خود منصرف نشویم وبزدلی را بخودراه ندهیم

رسول خدا حضرت محمد (ص) برای اینکه در موضوع از راهی مفاهمه داخل شود وصلح وسلم حل مطلب نماید راه عمومی به داخل مکه میگردد ودرآن احتمال تصادم بیشتر بود ترك نمود دراه صعب العبور که کمتر احتمال تصادف با قریش را می نمود

در پیش گرفت زیرا این سخن هم به پیامبر رسیده بود که قریش جمعی را از اسب سواران به غرض مقابله با مسلمانان مؤظف ساخته اند تابه پیکار آماده باشند وقت که رسول خدا با مسلمانان به حدیبیه که نزدیك مکه است رسیدند اقامت گزید وبه اهالی

مکه قاصد را فرستاد که ما برای ادا ء عمره عزم نموده ایم نه برای جنگ بعداز ادا مراسم عمره به مدینه باز می گردیم و قاصد

آنگاه که به مکه رسید مانع بازگشت او شدند و بعداز انتظار زیاد رسول خدا حضرت عثمان (رض) را جهت ابلاغ مواد آتی بمکه فرستاد .

۱ـ قریش را خبر ده که ماجهت ادا ء عمره آمدیم نه به جنگ و تجاوز .

۲ـ آنان رابه اسلام دعوت کن .

۳ـ به آنعده از زنان و مردان که در حالت ضعف و بدبختی درمکه به سر می برند بشارت ده که درآینده نزدیك مکه فتح خواهد شد وشما از عذاب وشکنجه خلاص میشوند حضرت عثمان به مکه رسید وپیام حضرت رسول خدا رابه قریش ابلاغ نمود اما

قریش از لجاجت و عصانت کار گرفت حضرت عثمان را نیز از باز گشت منع کرد ند در حالی انتظار رسول خدا وسایر مسلمین از باز گشت حضرت عثمان خبری را شنیدند که گویا حضرت عثمان به قتل رسیده است واین افواه در میان مسلمین اثری بدی را بوجود آورد و حضرت پیامبر مسلمانان رابه بیعت که بنام بیعت الر ضوان یاد میشد دعوت کرد ودر زیر درختی تعهد نمودند که تا سرحدی مرگ به منظور عملی ساختن مقصد خود مقاومت خواهند کرد چنا نچه قرآن شریف حکایت میکند لقدرضی الله عن المؤ منین اذیبا یعو نك تحت الشجرة فعلم مافی قلو بهم فانزل السکینة علیهم واثا بهم فتحاً قریباً به تحقیق خوشنود شد خداوند ازمؤمنین وقتیکه بیعت کردند با تو زیر درخت پس دانست آنچه دردل ایشان است آنگاه فرود آورد اطمینان را بردلهای ایشان وپا داش داد برای شان فتح نزدیك ، این بیعت استو ارمسلمانان قریش رابه مخا طره انداخت حضرت عثمان را اعاده نمودند ودرین وقت کسی ازقبیلا بنی خزاعه بنام بدیل در نزدحضرت پیامبرآ مده و حضرت ر از تصمیم قبایل دور پیش مکه وحدیبیه مطلع ساخت حضرت رسول خدا فرمودند ما جهت جنگ نیا مدیم وباکسی عزم مخالفت نداریم وقصدما اداء عمره است هرگاه قریش به اثر خستا شدن جنگهای پی در پی با مامصالحه کنند بهتر است و اگر طوائف دیگری باما جنگ داشته باشند ماهم الی نیل به مقصدجنگ میکنیم اگر طوائف مغلوب شدند قریش هم مجبور اند بدین مقدس اسلام بگروند واگر ما مغلوب شدیم هم هدف قریش بسر می رسدوازما بیغم میشوند و اگر مصالحه نکنند با آنها تا آخر یر قدرت جنگ خواهیم کرد بدیل بن ورقأ حاضر شد تا پیشنهاد حضرت پیامبر به قریش برساندوبه مکه رفت قریش راجمع آورد وپیشنهاد صلح را با قریش مطرح ساخت گرچه بعضی از حاضر ین بی اعتنأ ماندند اما یکی از اهل مکه بنام عروة بن مسعود ثقفی که اهل دانش بود با قریش گفت پیشنهاد خوبی است اگر اجازه

دهید بامحمد ملاقات میکنیم بـــا اجازت قریش بملاقات حضـــرت پیامبر شتافت و گفت که پیروانت باتو وفادار نخواهند بود و تو با قبیله ات چرا درجـنگ وستیز می‌شوید پیامبر بازهم مسئله صلـــح را در میان گذاشت واظهار داشت تامجبوریت حتمی به جنگ تن در نمی دهد وبدیل به مکه باز گشت واز احترام حضرت محمد در بین اصحاب او وقـــدرت وسلطه مسلمانان باقریش گفت قریش دانستند که مسلمانان حرمت بیت الله رادرنظر دارند بنأ سهیل بن عمـــر که از جمله اعیان قریش بودجهت مذاکره با حضرت محمد به حدـ یبیه فرستادندودرنزد ورودسهیل حضرت محمد بعداز استقبال ورود او رافال نیك دانسته در سهل کار توجیه نمود وبا او در مذاکـــره نشست وسهیل پیشنهادات صلـــح راتا حدی به طرفداری ازقریش طرح کرد که قبول آن بامسلمان خیلی دشوار تمام میشد وتاحدی رسید که بعضی از مسلمانـــان تنگدل شدند وپیامبر اسلام عرض نمودند که آیا ما برحق نیستیـــم وشما گفتید که من خواب دیدم که بمکه می روم و عمره ادا ء میکنم وپس چه شد که اکنون تمام ذلت را قبولدار میشوی در حا لیکـــه ما قدرت و توانایی زیاد داریـــم حضرت پیامبر بجواب مؤ منیـــن اظهار می داشت که من نگفتم که امسال به مکه می روم و عمره بـــه جا می آورم وگفتم که داخـــــل حرم میشوم هر وقت باشد بعـــدا سهیل و حضرت محمد با موافقـــه رسیدند و صلح نامه ذریعه حضرت علی نوشته که دارای مواد آتـــی بود .

۱ـ طرفین تعهد می کنند که الی ده سال یك برد گر تجـــاوز نکنند وهرکس از طرفین خواسته باشند به امنیت عام و تام بدون هراس به جای دیگر رفته مـــی توانند و آسیب نمی رسانند .

۲ـ مسلمانان در سال جـاری بدون عمره ودخول مکه به مدینه برمی گردند !

۳ـ در سال آینده به مـــدت سه روز قریش مکه را تخلیه به مسلمانان واگذار می شونـــد تامسلمانان عمره خود را ادا ء و زمینه عبادت برای شان مساعـــد میگردد .

۴ـ مسلمانان در سال آینده که جهت ادا ء عمره می آیند مسالح بداخل مکه نشوند و شمشیر های شان از غلاف کشیده نشود بلکه بدون اسلحه وآلات جنگ باشند .

۵ـ مسلمانان بعداز سه روز مکه را تخلیه و عمـــره را ادا ء نمایند .

۶ـ اگرطوائف دیگری خواسته باشد بامحمد ویا قریش معا هـده دوستی بسته نمایند جانب دیگرحق ممانعت را نداشته و مداخلـه درآن معاهده ممنوع است .

۷ـ کسیکه ازمکه به مسلمانا نمی پیوندند اگر چه مسلمـــا ن هم باشند به قریش مسترد گردندواگر از مسلما نان به قریش پیو ندند حق استرداد را ندارند درهمین وقت که هنوز قـــرار داد امضأ نشده بود پسر سهیل بنام ابوجندل که مسلمان شده بـود و درمکه تحت شکنجه قریش قـرا رداشت باآنکه در زنجیر پیچیـد ه بود خود را به مسلمانان رسا نـدسهیل گفت که ای محمد ایـــن اولین شخصی است که بامن مسترد میکنی حضرت محمد فر مودند که هنوز قرار داد عقد نشده سهیـل در جواب گفت هر گاه چنین باشد مصالحه با تو نمی کنم پیغمبـر خدا با اصرار و لجاجت سهیل پی برد که رشته صلح ازهم می گسلد وصلح هم هدف عمده ما اسـت این راهم پذیرفت ابوجندل از مسلمانان خواست تااورا کمـك رسانند ودوباره به شکنجه قریش نیاندازند حضرت عمر به پیامبر عرض نمودکه این شکست را بایدمسلمانان متقبل نشوند پیامبـر خدا فرمودند من از صلح پیروی میکنم روزی خواهد آمد که مـــا موفق باشیم و بداخل مکه رفتـــه عمره ادا ء نمائیم واهل آن اسلام آورند وصلح نامه با اینکه اکثراصحاب نا راضی بودند به اساس نیت پاك آنحضرت امضأ ومنعقدگردید واز احرام عمره خـــود را مسلمانان خلاص کردند پیامبـر اسلام هنوز به مدینه موا صلـت نکرده بود که سوره انافتحنا نازل گردید ومسلمانان به فتح هـا ی آینده بشارت داده شدند صلـــح حدیبیه اگر چه در ظاهر صلـح ذلت آمیز به نظر می رسیـد ودر نظر اول چنیـــــن استنبـــا ط گردید که سر تاسر به نفع قریش وزیان مسلمانان باشد چنا نچـــه

حضرت عمر وسایر صحابه کرا مضطرب و غمکین شدند وبا هم در مشوره میگفتند در حا لیکه‌ما قدرت و توا نایی زیاد تر از قریش داریم و در راه حق‌وحقیقت‌روان هستیم باید مناز عات ما با قریش از راه شمشیر وجنگ حل‌شود تابتوا نیم واقمیت‌هارا برای مردم برسانیم وچرا مادر مقا بل‌قریش این همه ضعف را قبولدار شویم حضرت محمد (ص) که‌دور نمایی وضع را از آنان بهتر می دید ودر امور بهتر وارد بودفقط در مقابل شان چنین اظهار میکرد که خدا ورسول آن دریـن‌زمینه دانا تر است اما حضرت محمد میدانست که نتایج صلح برای ما پیروزی بهتری به بار می آوردوچنانچه هم‌شد که خالدبن‌ولیدوعمروبن عاص وامثال آنان از شجاع ترین مردم عرب به اثر گفتگو و نشست وخاست مسلمین با قریش بدین اسلام گرو یدندوبا مسلمانان یکجا شدند وما میتوانیم بگو ئیم که‌نتایج حاصله‌ازین صلح قرار آتی بوده است .

۱ـ مردم قریش که تا وقت‌صلح حدیبیه به مسلما نان قدر واهمیت سیاسی را قایل نبودنداما به عقد صلح مسلمانان را قد رت دولتی اسلامی مساوی باخوددانستند .

۲ـقبائل دیگر که‌به اثر قدرت‌ونیرومندی قریش وبودن خا نه کعبه در آنجا با مسلما نان دست‌دوستی را دراز کرده نمی توانستند اما به‌اثر صلح حدیبیه‌توانستند با مسلمانان عقد دوستی نمایند چنانچه قبیله بنی‌خزاعه که پیشتر هم به مسلمانان علاقه داشتند عقد دوستی بستندیهو دخیبر به اثر پشتیبا نی قریش با مسلمانان دسایسی را براه می انداختند و قبائل دیگر را علیه مسلمانان تحریك می‌نمودند، بعداز صلح آن اعتماد قطع‌شد .

۳ـ صلح حدیبیه باعث آن‌شدکه مسلمین آزاد بتوانند در بین مردم نفوذ کنند واهداف والایی‌اسلام را برای شان بر سانند چنانچه اولتر از همه در فتح خیبر دست یافتند .

۴ـ به مسلمانان فرصت داد تا بزیارت بیت الله شریف بعداً نائل آیند واز ضعفأ آنجا دیدن بعمل آورند وآنان را در صبر و شکیبایی توصیه فرمایند . ازگذارشات و اهداف صلح حدیبیه ونتایج حاصله از آن چنین بر می‌آید که صلح درهر وقت که باشد درهر جائیکه باشد به نفع مردم بوده و نتایج آن بهتر از جنگ وخونریزی است به اثر صلح جویی وحسن نیت حضرت رسول کریم بود که صلح در میان آمد باعث نشر دین اسلام در تمام سر زمین آنجا گردید پیامبر اسلام طرفدار حسن تفاهم وروش نرم در تقاضای صلح وامنیت بود نمیخواست تا زمان که مجبور نشدی به خونریزی دست زند ویا مال کسی را تلف کند به اساس صلح خواهی ومسالمت آمیزی پیامبر اسلام بود که بعداز فتح مکه باآنکه قریش تجاوز های بی مورد در حق مسلمانان کرده بودند و منتظر انتقام شدید بودند حضرت پیامبر عفو عمومی را اعلان کرد و فرمودند که (اذهبواو انتم الطلقأ) برویدواز طرف من آزادهستید این اراده پاك ومتین محمد(ص) در رفع تشنج و کشیدگی وبرای تامین صلح وعدالت اجتماعی باعث آن شد تا در تمام شبه جزیرة العرب صلح تامین و پیشرفت و ترقی بوجود آید ونه تنها مردم آن سرزمین بلکه در تمام جهان آفتاب جهانتاب اسلام طلوع نموده ومردم در روشنی آن جامعه مرفه و شگوفانی داشته باشند در این وقت که عصر ترقی و ماشینری بوده تخنیك وعلم به درجه عالی و اوج ارتقایی خود رسیده بیشتر ایجاب میکند تا جنگ ازجهان برداشته شود وبه عوض او صلح وامنیت گسترده گرد دپیامبر اسلام می فرمایند (الخلق عیال الله فاحب الخلق الی الله من احسن الی عیاله) خلق بمنزله جزء فامیل
خداوند بشمار می روند پس بهترین ودوست داشته ترین خلق در نزد خداوند کسی است که به‌مردم احسان و نیکویی کنند وما به درجه اول نیکویی آنرا می گوئیم که بخاطر بقای انسان زحمت بکشد و فعالیت خود رابراه اندازد زنده ماندن انسان باعث خیر و سعادت در جامعه هست درین عصرسازمان صلح

جهانی و آنانیکه درآن سازمان ارج را قایل آند در راه تا مین صلح گام های مؤثر را بر داشته‌اند ودر کار و پیکار به خاطر صلح بکمال از خود گذری کار و پیکار میکنند .

گرچه روشی امپریالیزم و همرزمانش اوخطراتی را در امر ایجاد صلح در جهان درپی دارد ونباید به‌این موضوع کم بهاداد اما همزمان باید اعتقاد نمود ویقین راسخ باید داشت که توده های گسترده مردم . افکار عمومی جهانی وهمه‌درك میکنند که جنگ هسته یی برای تمدن بشر در روی زمین‌وبرای زنده‌گی انسان چه فاجعه وخطر عظیمی است . به این‌امر مستقیم که خلق ها در برابر این خطر ناتوان نیستند . و آن‌زمانی که امپر یالست هاقدرت داشتند سر نوشت انسان‌را بدست‌گیر ند مدتها سپری شده ودیگر مردم دانستند که زنده‌گی یعنی‌چه اوضاع از ریشه دگر گون‌شده است امروز در برابر جنگ طلبان‌جامعه کشور های صلح دوست قرار دارند جنبش های رها یی‌بخش ملی ، نیرو هایی پر توان اجتماعی بسیار اند . مبارزه به‌خاطر صلح بخاطر جلو گیری از تصادمات جنگی بربنیاد استوا روگسترده تکیه زده است . بنیاد برنامه صلح که با مساعی منسجم‌جمعی کشو رهای صلحد وست در عمل پیاده میشود بر پایه‌پایان دادن به سیاست زور گویی مسابقات تسلیحاتی وستیزه‌جویی، نیل به‌تشنج زدائی بین‌المللی وایجاد شرایط مساعد برای رشدهمکاری مفید مقتابل صلح آمیز کشور های دارای نظام ها ی‌اجتماعی متفاوت استوار است . مبارزه بخاطر تحقق این بر نامه‌یکسلسله نتایج ارزشمند مهمی به بار آورده است در مقیاس بین‌المللی تغییرات قابل‌ملاحظه یی در تناسب نیرو ها بوجود آمده‌است نیروی جامعه کشور های صلح دوست افزایش می یابد .در سطح بین المللی دولت هائیکه راه رشد تامین صلح را بر گزیده‌اند تحکیم می یابد تاثیر نفوذ جنبش عدم انسلاك که یکی ازپایه‌های بنیان گذاران صلح است گسترش پیدا میکند راه و روش‌انقلابی جهانی که آنهم از جمله صلحدوستان جهان اند انکشا ف‌می یابد وبه پیش می رود اینها

همه شرایط مساعد را برای گسترش هرچه بیشتر مبارزه بخاطر تامین صلح ، استقلال خلقها وترقی اجتماعی بوجود می آورد ، مبارزه بخاطر نگهداری واستحکام صلح براساس احترام به حقوق ومنافع کلیه خلقها از نخستین روز های پس از پیروزی انقلاب صلح دوست محور همه فعالیت های سیاست خارجی کشور شورا ها قرار گرفت وپس از جنگ جهانی دوم پیروزی انقلاب مشابه در جهان برای این مبارزه ارزش عظیمی را قایل گردید زیرا در مبارزه بخاطر تحکیم صلح را ه ایجاد شرایط مساعد برای ساختمان نظام نوین عادلانه اجتماعی میسر است . به یقین میتوان گفت که پیشنهادات صلح ازطرف کشور شورا ها در جهان راه حل را بخاطر منافع عمومی مردم جهان و زنده گی مرفه و شگوفان خلقهای رنج کشیده و عقب نگهداشته میتوان کشود این پیشنهادات گرچه یکجا نبه همه وقت قبول شده ودر تمامی موارد از طرف کشور های صلح دوست بکار رفته اما بازهم نیرو های جنگ طلب به حالت جنون آمیز خود ادامه میدهند ایالات متحده امریکا با نصب راکت های کروزوپرشنگ(۲) گام های بیشتری را برای از بین بردن انسان در کره زمین بر داشته است و بازهم درین اواخر بنام دفاع استراتیژی از کیهان جنگ ستاره گان را تهیه می بیند بدون اینکه کوچك ترین احساس مسئولیت را در برابر خلقهای جهان از خود نشان دهد اتحاد شوروی پیشنهاد اتی را به خاطر قطع اسلحه ذروی در ریك یاویك به منابع تهیه کننده اسلحه فوق تقدیم داشت باتأسف باید یاد آور شد که از طرف مقابل ندای صلح اجابت نگردید و انگاه بازهم مهلت یکجانبه اتحاد شوروی در تولیدسلاح ذروی گام دیگری درراه صلح خواهد بود پارلمان اتحاد شوروی در جلسه ۲۸ عقرب ۱۳٦۵ سال جاری از تمام پارلمان ها وخلقهای جهان تقاضا بعمل آورد تا برای آغاز عملی غرض ایجاد جهان عاری از اسلحه اتومی و تامین امنیت واقعی با اشتراك تمام ملل بر پایه برابری ومساوات متحد شوند شورای عالی تاکید

نمود که اتحاد شوروی به تمام پیشنهادات که در مذاکرات ریکیاویك ارایه گردیده و هدف آن محو تمام سیستم های اتومی است وفادار می باشد و در پیام تاکید شده که مهلت یکجا نبه اتحاد شوروی در مورد انفجارات اتومی که پانزده سال قبل توسط اتحاد شوروی اعلام گردیده بو دهنوز هم نافذ است ، به ایالات متحده امریکا الی تاریخ اول ماه جنوری مهلت داده شد تا به ندای معقول و تقاضای صدها ملیون انسان جهان پیرامون متوقف ساختن آزمایشات اتومی گوش فرا دهد اما بازهم چنین پاسخ شنیده نشده بر مسلمانان جهان است که به تأسی از هدایات قرآن و تاکیدات پیامبر و دین مقدس اسلام از داعیه صلح جهانی پیروی کنند وشریعت اسلام درین مهلت یکجانبه ارج را قایل است وپیروان اسلام را دستور می دهد هرگاه برای شما از صلح یاد آوری میکنند شما هم حاضر به ندای صلح شوید خداوند فرموده (فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم والقوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلا) سوره نسا آیه (۹۰) اگر یکسو شوند از جانب شما و جنگ نکنند با شما والقا کنند به شما پیغام صلح را پس نداده خدا شما را برایشان راهی ، آنانیکه صلح را میخواهند و از آرزومند آن هستند که در جهان صلح باشد وبه آواز رسا وبلند پیغام صلح را در جهان می اندازندو به این پیغام هدف جز سعادت و بهروزی مردم وخلق های جهان دیگر چیز ندارند به جواب آنان پاسخ مثبت دادن امری است ضروری ومطابق به دین مقدس اسلام وآئین انسانیت که خداوند بشر را برای آن خلق و ایجاد نموده است وبا قاطعیت تمام باید از پندار ونظریات بی معنی ضد انسانی و تباه کن بشریت یعنی استعمال اسلحه ذروی رد گرد ودر مقابل استعمال کننده آن مبارزه کرد زیرا این سلاح تباه کن بجز محو انسان دیگر هدف را ندارد دانشمندان و کار شناسان برجسته بسیار ازکشور ها به نحوی قانع کننده ثابت می سازند که جنگ هسته یی درصورت که وقوع یابد ، خطرات فاجعه انگیز برای بشریت خواهدداشت ، در چنین جنگی که مرگ ونابودی را در روی زمین بارخواهد آورد وموجودیت خلقهای زیاد رابه نیستی خواهد کشانید ازین رو کشور های

صلحد وست قاطعانه اعــــلام میدارند که نباید گذاشت جنــگ هسته یی شعله ور گردد. امروزدر برابر خلقها ودولت ها مسئله مبرم تر از جلو گیری از جنــگ هسته یی به هر شیوه و شکلــی که طرح گردد قرار ندارد خلقها ی صلحدوست سراسر جهان علا قــه مند اند که قوت و امکانات جنبش ضد جنگ کاملا رشد یا بــد و نفوذ واعتبار سیاسی این جنبش بطورهرچه افزون تر وهمه جانبه تری بکار گرفته شود برای دست یابی به این امر مهم آنست که شرکت کننده گان صلح خواه بــدو ن درنظر داشت تفاوت ها در ایــد یالوژی واعتقادات مذهبی، منبع ومنشأ اصلی خطر رابدرستی در یابند وفعالانه دربرابر آن استادگی کنندو دوش بدوش. منسجــم مشترك و در همکاری شرافــتمندانه پیکار کنند .

افشأ نقش خطر نــاك سیاست تجاوز گرانه امپریالیزم نه برای رسیدن به کدام پیروزی تبلیغاــتی می شود بلکه پیش از همــه برای سمت گیری اصولی دربرابر خطر اساسی که جهان معاصر را تهدید می کند ضرورت دارد. ازچهل سال به این طرف مابا بمب ذروی یکجا زنده گی میکنیم گا ه اگر به حقیقت امر پی ببریم به این نتیجه میرسیم که اجتماع بشر ی واسلحه ذروی به نفع ملل جهــان دارند حتی در صورتیکه جنــگ ذروی به نفع ملل جهان تمام نمی شود. سنجشهــــای رؤســای دول هرقدر تسکین کننده هم باشد اما نه بایــد یقین داشت که ما تاآخر بدون دیدن جنگ ذروی زنده گی کنیم ومادرحقیقت امر درمرحله وارد میشویم که نظر به هر وقت دگر این مرحله مرحله خطیری اســت مردم جهان هنوز غبار مرگ جهاــنی دوم را ازروی خود پاك نکردند که باز هم آواز هیبت ناك جنــگ ستار گان رابگوش می شنوند بهتر خواهد بود که مردم جهان باصلح زندگی کنند و بودجه که جهــت مسابقه تسلیحاتی به مصرف مــی رسد برای اعمار وشکوفائی کشورهای جهان سوم به کار برده شود تا به عوض تهیه اسلحه ونابودی بشر اکتشافات برای زنده گــی آبرو مند بشر لازم دیده شود . جمهوری دموکراتیك افغانستــان درطول موجودیت خود خواهــان صلح وزندگی ابرو مند درجها ن

بوده و می باشد کشور ما افغا ـ نستان عزیز عضو کشور های غیر منسلك بوده و در ین راه عدم انسلاك مبارزه دوام دارو پی گیر می نماید به ندای صلح وامنیت همه وقت گوش فراداده ولبیك گفته است و در تمام عرصه های زندگی به صلح نیازمند است و صلح می طلبد در سازمان صلح جهانی عضویت داردو به جلسات صلح جهانی اشتراك می ورزد رئیس سازمان صلح افغانستان معاون مندی به اثر عطش مفرط که افغانستان در تامین صلح جها نی دارد می باشد و کنفرانس های صلح دو قارهٔ افریقا وآسیا چندین باردرمیزبانی افغانستان دائر گردید دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان به ندای کشورهای صلح دوست جواب مثبت داده است شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان به نماینده گی از مردم افغانستان پشتیبانی خود را ازداعیه برحق صلح همه جانبه بعمل آورده است هیئت رئیسه شورای انقلابی تائید نمود که تطبیق ابتکارات صلح جویانه جدید کشور های صلح دوست باید بالاتر از تمام منازعات بین المللی واختلافات قرار داده شود اعلام مصالحه ملی وکوشش در راه تحقق عملی آن نیز دلیل بارز صداقت مادر امر تعمیل سیاست صلح جویانه افغانستان می باشد حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان به وسیله نماینده خوددر ملل متحدودر کنفرانس کشور های غیر منسلك در حراری ومذاکرات ژینو بارها سیاست صلح را به او از بلند اعلام داشته است در مبارزه بخاطر صلح کشور های کوچك تنها نمی توانند به پیروزی نهائی برسند این امر مبارزه بخاطر صلح به همه ارتباط می گیردو باید طرف توجه تمام کشور های مترقی جهان قرار گیردو از تمام مردمان جهان وکشور های مترقی بخصوص دول ذی قدرت دعوت بعمل آید تا به منظور تامین صلح وامنیت ازهیچ گونه توانائی وقدرت وامکانات که دارند دریغ نورزیده در قبال سرنوشت مردمان وحفظ تمدن بشری فعالیت های سودمند را به نفع بشریت جهان از خود به وجود آورند واز خداوند توفیق مزید راازسهم گیرنده گان این عمل مقدس آرزو مندیم •

ومن الله التوفیق و علیه التکلان

ماخذاین رساله

۱ـ قرآن شریف
۲ـ تفسیر قرطبی
۳ـ صحیح البخاری شریف
٤ـ مشکواه شریف
٥ـ تفسیر مظهری
٦ـ تفسیر دری چاپ کابل
۷ـ کتاب حقوق در اسلام ـ چاپ تهران
۸ـ پیامبر اسلام رهنمایی بشریت چاپ تهران
۹ـ رساله صلح آرمان بشریت




PROPERTY OF
ARIC
Established
1989